

تأملی در باب

تعزیه



ماتم داری و سوگواری برای سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، سنت حسنه‌ای است که پیوستگی عقیدتی و عاطفی ما را با حماسه‌سازان کربلا حفظ می‌کند.

براستی چرا ما برای بزرگمردی وارسته که آراسته به فضائل است و خود و اصحابش در راه مکتب اسلام با انگیزه‌ای والا و مقدس به شهادت رسیدند، سوگوار نیاشیم؟

گریستن بر مصائب حماسه‌سازان عاشورا، حمایت از حق جویان و پویندگان طریق توحید و زنده نگاه داشتن مکتبی است که غبار از چهره حقیقت بر گرفت. اندوه و تألم ما بخاطر این شهیدان عرصه توحید، اگر توأم با معرفت باشد

و از محبتی عمیق منشأ بگیرد، خود می‌تواند وسیله‌ای باشد در جهت جذب معنویت و بهره‌مندی از فروغ تابناک آن امام هدی، و نیز جهت گیری‌های ما را در عرصه اجتماع روشن می‌کند. بدین مفهوم که باید از حرکت‌هایی که جنبه الهی دارند، دفاع نموده و از آنهایی که در طریق باطل گام نهاده و به عصیان از فرامین الهی و اعراض از امور معنوی روی آورده‌اند، نفرت و انزجار خود را اعلام نماییم.

سنگ بنای سنت عزاداری، توسط ائمه هدی، بنیان نهاده شد و آن سروران قولاً و عملاً در جهت احیای این مراسم، می‌کوشیده‌اند: امام سجاد(ع) پیش از سی سال به یاد شهادت پدرش گریست. امام صادق(ع) از شاعران عصر خود می‌خواست که به یاد این حماسه جاوید، مرثیه بسرایند، و خود نیز با استماع این سوک نامه‌ها بشدت می‌گریست. حضرت موسی بن جعفر(ع) با فرارسیدن ماه محرم، چهره‌ای غم زده داشتند و این تألم خاطر را در رفتار و گفتار آشکار می‌نمودند. حضرت امام رضا(ع) می‌فرمایند:

روز عاشورا دیدگان ما را زخم کرده، اشکهایمان را جاری ساخته، برای ما رنج و سختی به ارمغان آورده است، رنجی که تا پایان دنیا باقی خواهد ماند.^۱

اینکه شیعه در صدد است تا با تمام جد و جهد، عاشورا را زنده نگه دارد به خاطر سفارش پیشوایان و تداوم سنت آن ستارگان پرفروغ می‌باشد و به فرمایش حضرت امام صادق(ع): «در دل اهل ایمان، محبتی پنهانی برای امام حسین(ع) قرار داده شده که هرگز به سردی نمی‌گراید.» و چه زبانی صادقتر و زلالتر و بی ریاتر از اشک است؟ اشک بی‌تابترین عشق، گدازان‌ترین ایمان، داغترین اشتیاق، خالصترین احساس و لطیفترین دوست داشتن را، نشان است، اما چه خوب است این زبان صادق و تجلی شوق و اندوه، تعهد و آگاهی و فهم و ایمان و شناخت راه محبوب را به همراه داشته باشد. و مجالس مصیبت و اندوه پیراسته و عاری از هر گونه تحریف و خرافات برگزار شود. امام خمینی قدس سره که در برپایی مجالس روضه خوانی و مرثیه سرایی و تعزیه‌داری برای رهبر آزادگان حسین(ع) تأکید

.....
۱ - امام حسن و امام حسین، علامه سید محسن امین عاملی، ص ۱۳۵.

وافری داشته‌اند می‌فرمایند:

«محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است... البته اگر چنانچه چیزهای ناروایی بوده است و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید يك قدری تصفیه بشود لیکن عزاداری به همان صورت خودش باقی بماند.»^۱ و در جای دیگر به این نکته اشاره دارند که:

«...مجلس عزا را با همان شکوهی که پیشتر انجام می‌گرفت و بیشتر از او حفظ کنید... خوب بعضی از امور هست که باید بوسیله آقایان، آقایانی که خطبا هستند و اهل منبر هستند، در سرتاسر کشور تذکر داده شود به مردم.»^۲

واقع امر این است که حماسه شور انگیز عاشورا به دلیل گستردگی، عظمت و خاصیت اعجاب بر انگیزش، موجب آن شده که برداشتهایی متفاوت از آن بشود که البته این تصورات به میزان فرهنگها و مسائل اجتماعی و نیز معرفت و درک مردم بستگی دارد، و بر خلاف آنکه فرهنگ غنی تشیع - از آغاز تاکنون - توانسته با کوشش مرزبانان حماسه توحید، این نهضت مقدس را به طریق شایسته و پیراسته از هرگونه زنگاری، به علاقه‌مندان و شیفتگان ایثار و حماسه معرفی کند اما با کمال تأسف باید اذعان نمود که برخی، از روی جهل و شاید هم به خاطر غرض‌ورزیهایی که داشته‌اند، تصورات نادرستی از این جریان معنوی به وجود آورده‌اند که مقداری از آن را به اذهان عوام هم راه داده‌اند. نمونه‌هایی از این برجسبهای ناچسب، بخصوص به مجالس تعزیه - که نمایشی است مذهبی - راه یافته و با وجود محاسنی که این برنامه‌ها دارند، عیوبی را به خاطر این مسائل به خود راه داده‌اند که حوزویان عزیز و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری، باید نسبت به پیرایش و پالایش آن، اقدامی عاجل به عمل آورند. نگارنده در این نگاشته، کوشش دارد تا به طور اجمال و ایجاز محاسن تعزیه را بازگو کرده و بعضی از این برجسبهای ناهمگون را نشان دهد.

.....

۲ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۳ - صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

سیر پیدایش تعزیه

همانگونه که اشاره شد، عزاداری برای شهیدان کربلا در عصر ائمه، رایج بوده ولی این مراسم شکل عمومی و فراگیر نداشته است. در قرن چهارم هجری که دیلمیان دولتی تأسیس نموده و با حمایت شیعیان به ترویج مکتب اهل بیت اهتمام ورزیدند، سنت عزاداری - در مقیاس وسیع و گسترده - در معابر و اجتماعات باب گردید. سینه‌زنی و راه افتادن دسته‌جات سوگوار در شوارع، از این زمان در ایران متداول گردید. بعدها و در قرن هشتم هجری، شخصی به نام «ملا حسین کاشفی» کتابی به رشته تحریر درآورد بنام «روضه الشهداء» که عده‌ای بر منابر رفته و مضامین منظوم و منثور این کتاب را برای حاضرین در مجلس می‌خوانده و از این طریق به عزاداری و سوگواری می‌پرداخته‌اند. زنجیرزنی و حرکت عَلم و کُتل و راه یافتن طبل و سنج در عصر صفویان رایج شد و در اواخر این عصر مقدمات اجرای تعزیه پدید آمد.

برخی عقیده دارند که تعزیه به صورت صامت در عصر دیلمیان پدید آمد، یحیی آریانپور در کتاب «از صبا تا نیما» بدین نکته اشاره کرده است. البته در کتاب کامل ابن اثیر آمده که:

«فتنه‌ای عظیم میان اهل سنت و شیعه به وقوع پیوست [در قرن چهارم] اهل محله‌ای به نام سوق الطعام بغداد زنی را بر شتری سوار نمودند و آن را عایشه نامیدند و مردی نام طلحه را برای خود برگزید و فرد دیگری در این نزاع خود را زیر نامید، دو دسته با یکدیگر می‌جنگیدند.»^۱

محمد جعفر محجوب عقیده دارد: «تعزیه در قالب امروزیش احتمالاً در اواخر دوره صفوی به وجود آمد...» اما «ادوارد براون» نظری بر خلاف آن دارد و معتقد است روضه خوانی در این عصر متداول شد ولی تعزیه گردانی خیلی بعد از آن و تحت تأثیر نمایشهای مذهبی قرون وسطی پدید آمد.

«پتروس بدیک^۲» که در سال ۱۰۵۲ ق مقارن با سلطنت شاه صفی به

.....
4 - Petrus. Bedik.

ایران آمد، به «تعزیه آب فرات» اشاره می‌کند^۵ و این گزارش منحصر به فردی است که از تعزیه در این عصر ارائه می‌دهد، در صورتی که دیگر سیاحان اروپایی که در این دوران و همزمان با ایام محرم در ایران به سر می‌برده‌اند ذکری و نشانی از تعزیه نمی‌آورند. «پیتر دلاواله» که به مدت ۶ سال در ایران بوده از دسته جاتی حکایت می‌کند که در جلو آنها اسبهایی بوده مزین به انواع سلاح، و عمامه‌هایی بر روی آنها قرار گرفته و نیز پیشاپیش هر دسته چند شتر در حال حرکت بوده که مجهز به کجاوه‌هایی هستند که درون آنها چند بچه به علامت اسرای کربلا قرار گرفته‌اند. حمل تابوت سیاهپوش در گزارش این سیاح دیده می‌شود.^۶

«آدام اولتاریوس»^۷ که در محرم سال ۱۰۴۷ ق در عصر شاه صفی در ایران بوده و گزارش مفصلی از صحنه‌های عزاداری آورده، مطلبی در باره تعزیه ندارد و صرفاً ضمن ارائه تصویری از مراسم عزاداری اردبیل، به تکه‌های نمایشی اشاره می‌کند که اسیران دشت نینوا را در اذهان تداعی می‌کند: «...روی بعضی از شتران و اسبها [در جلو دسته‌ها] کودکان و پسر بچه‌ها رابه عنوان بازماندگان شهدای کربلا نشانده بودند و به زین و روپوش نیلگون این اسبها و شترها، تیرهایی فرورفته بود که به منزله تیرهایی بود که کفار و دشمنان حسین، به طرف آنها پرتاب کرده بودند، روی بعضی از اسبها و شترها هم تیر و کمان و کلاه‌خود و زره و سایر سلاح قدیمی را به عنوان سلاح باقی مانده از شهدا حمل می‌کردند...»^۸

«ژان شاردن»، سیاح فرانسوی که گزارش سفرش به ایران در ده جلد به فارسی هم ترجمه شده و در شرح مشاهدات خود، از جزئیات هم نگذشته به تعزیه و نمایش مذهبی در عصر صفویه اشاره‌ای نمی‌کند. اولین کسی که از تعزیه صحبت می‌کند، «ویلیام فرانکلین» است که در سال ۱۷۸۶ میلادی مطابق با ۱۲۰۰ ق در شیراز تعزیه میانجی‌گری سفیر فرنگی در دربار یزید، آب فرات و عروسی قاسم را

۵ - به نقل از کتاب موسیقی مذهبی (تعزیه)، حسن مشحون، مقدمه کتاب.

۶ - سفرنامه پیتر دلاواله ایتالیایی، ترجمه شجاع‌الدین شفا.

7 - Adam Oleorius.

۸ - سفرنامه آدام اولتاریوس (اصفهان خونین شاه صفی)، ترجمه حسین کردبچه، تهران، انتشارات شرکت

مشاهده نموده است.

نصراالله فلسفی از قول يك نسخه خطی، اجرای نمایش مذهبی را به زمان کریم خان زند می‌رساند. به عقیده وی یک سفیر فرنگی نزد شاه، گزارشی از نمایشهای مذهبی مسیحیان را ارائه می‌دهد و کریم خان با شنیدن چنین برنامه‌ای شائق می‌گردد تا با اقتباس از این صحنه‌ها برای وقایع کربلا، شبیه بسازند و مجالس تعزیه ترتیب دهند.

برخی را عقیده بر این است که: «ایران و روسیه در زمان فتحعلی شاه روابط خوبی داشتند و سران دولت ایران که نمایشهای روسیه را ملاحظه نمودند، پس از مراجعت به ایران سبک آنها را در تنظیم نمایشهای مذهبی و تعزیه‌های کربلا مورد تأیید قرار دادند.» استاد سید محمد محیط طباطبائی می‌نویسد: «...هنوز مدرک معتبری به دست نیاورده‌ایم که در آن نشانی از وجود تعزیه خوانی پیش از روزگار قاجاریه، دیده شود... در تذکره فلك المریخ که به روزگار فتحعلی شاه تدوین شده در ذیل احوال یکی از شعرای مازندران او را تعزیه گو می‌خواند و این اولین جایی است که ذکری از این کار دیدم...»^۹

یحیی آریانپور عقیده دارد که: «شبیه‌خوانی ظاهراً در ایران ریشه قدیمی‌تری دارد، دیلمیان که پادشاهان ایرانی و شیعه مذهب بوده‌اند مظالم خلفا و داستان جانگداز کربلا را به صورت شبیه، مجسم می‌ساختند، اما این نمایشها صامت بود، شبیه‌خوانی ناطق ظاهراً در دوره ناصرالدین شاه در ایران معمول شد یا اگر قبلاً چیزی از این قبیل بود در دوره سلطنت ناصرالدین شاه رونقی بسزا یافت. ظاهر آن است که مشاهدات شاه در سفرهای خود از تأثرهای اروپا در کار تعزیه و شبیه‌خوانی بی تأثیر نبوده است...»^{۱۰}

با این همه، می‌توان ادعا نمود که شالوده تعزیه به عصر زندیه باز می‌گردد و در دوران قاجاریه رونق فزاینده‌ای یافته و شکل تکاملی خود را به دست می‌آورد.

.....
→

کتاب برای همه، ج ۲، ص ۴۸۷ - ۴۸۹.

۹ - تعزیه داری و شبیه‌خوانی از زمان دیلمیان تا امروز، روزنامه اطلاعات، ۲۰ دیماه ۱۳۵۴، ش ۱۳۹۰۶.

۱۰ - از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۳۲۳.

جهانگردان اروپایی که در این دوران به ایران مسافرت نموده‌اند در سفرنامه‌های خود به شرح مشاهدات خود از تعزیه پرداخته‌اند. متأسفانه بعضی از آنها، نتوانسته‌اند تصویر صحیحی از تعزیه ارائه دهند و در معرفی این نمایش، دچار اشتباهات فاحشی شده‌اند. عده‌ای هم، با دیدن تعزیه، آن را به چشم يك نمایش کاملاً شیعی نگریسته، و فکر کرده‌اند تعزیه گویای کامل مبانی اعتقادی فرهنگ تشیع می‌باشد و شاید هم غرض ورزیها در این نقطه نظرات دخالت داشته است.

بدیهی است آن دسته از سیاحانی که جهت حرکات جاسوسی، تعقیب امور سیاسی و اهداف استعماری پا به سرزمین ایران گذارده‌اند با اهدافی غرض‌آلود به ترسیم صحنه‌های تعزیه و ارتباط آن با وقایع صدر اسلام پرداخته‌اند، متأسفانه چنین منابعی مورد استناد تعزیه پژوهان داخلی قرار می‌گیرد و مترجمین آثار مذکور، بدون هیچ گونه توضیحی به ترجمه آنها پرداخته‌اند و به مضامین مخدوش و تحریف شده توجه نکرده‌اند.

انگیزه پیدایش تعزیه

مردمانی صادق که از قرون اولیه می‌کوشیده‌اند عزاداری سالار شهیدان را با شور و شوق و شکوه افزونتری برگزار کنند، و از طریق برپایی مجالس روضه‌خوانی، مرثیه‌سرایی، و به راه انداختن دسته جات سینه‌زنی و زنجیرزنی، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت به ثبوت می‌رسانیده‌اند، این اندیشه را در ذهن خود پرورش داده‌اند که چه کنند تا بتوانند مردم را نسبت به وقایع کربلا بیشتر متأثر کنند و با تداعی آن صحنه‌های رقت‌انگیز، به تحریک احساسات حاضرین پردازند. از این رهگذر است که تعزیه با اقتباس از روضه‌خوانی و سینه‌زنی و الهام از نمایشهای قرون وسطی و بهره‌گیری از سنن ایرانی، حضور خود را اعلام می‌کند و با استقبال گرم و پرهیجان مردم مواجه می‌گردد.^{۱۱}

.....

۱۱ - ارزیابی تعزیه، تألیف نگارنده (دست نویس).

دکتر محمد جعفر محبوب در مقاله‌ای تحت عنوان: «تأثیر تئاتر اروپائی و نفوذ روشهای آن در تعزیه»، می‌نویسد:

«آنچه توده‌ها را به پذیرش مشتاقانه همه این موضوعات بر می‌انگیخت یعنی عاملی که واقعاً بیش از هر عامل دیگر در انتشار تعزیه و پذیرش آن از سوی مردم، بزرگترین تأثیر را داشت اعتقاد و عشق غیرتمندانه و ارادت پایدار عوام به امامان و اعضای خاندان پیامبر و بالاخص شهیدان کربلا بود، در حقیقت مردم در انتظار اخگری بودند که باروت احساسات و عواطف آنان را منفجر سازد.»^{۱۲}

در هنر شبیه‌خوانی اعتقادات مذهبی و مسائل اجتماعی با یکدیگر در آمیخته می‌شوند و آن را تبدیل به نمایشی می‌کند که هم تجلی جهان بینی توده مردم است و هم توقعات مردمی و باورهای سنتی و بومی را متبلور نموده است.

دست اندر کاران تعزیه در عصر قاجاریه

سلاطین قاجاریه در جهت احیاء و توسعه مجالس تعزیه مصمم بودند و برای بهتر برگزار شدن آن از شعرا خواستند تا متنهای منظومی را بدین منظور تدارک ببینند، این دخالت موجب آن شد تا سلیقه سلاطین و حتی فرهنگ پادشاهان، به مجالس تعزیه رخنه کند. بویژه آنکه شعرا برای خوش آمد پادشاهان، مضامینی را از روی عمد، به تعزیه می‌افزودند.

فتحعلی شاه قاجار فرمانروای بی کفایت و فاقد تدبیری است که روزگار را با عیاشی و معاشرت با زنان و به سر بردن در حرمسرای شاهی، سپری می‌کند و در عصر وی که قادر به دفع تهاجم روسها نبود، دو قرارداد ننگین - که بر اثر مفاد آن بخشهای قابل توجهی از شمال ایران به بیگانگان واگذار شد - منعقد می‌شود. این پادشاه، تعزیه را دوست دارد و امکاناتی را برای اجرای آن فراهم می‌کند و شعرائی که برایش مجالس تعزیه تنظیم می‌کنند، «مجلس تعزیه فتحعلی شاه» را هم ترتیب می‌دهند تا شاه را خوش آید. در مطلع این تعزیه آمده است:

حمد پروردگار لیل و نهار سروری داده است بر قاجارا!!

۱۲ - تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، گرد آورنده بیتر چلکو وسکی، ترجمه داود حانمی، ص ۱۹۸.

ناصرالدین شاه که قریب به نیم قرن سلطنت نمود - و در دوران استبداد روز افزونی که پدید آورد مردم را تحت فشارهای گوناگون قرار داد و صدمات و لطمات جبران ناپذیری به کشور و ملت ایران وارد نمود و در عصر وی، بیگانگان به مملکت نفوذ یافته و با موافقت وی به کسب امتیازاتی موفق شدند - متولی اجرای تعزیه است و در مشاهده مظالم اشقیا نسبت به اهل بیت، خود را متأثر و محزون نشان می‌دهد در حالی که عبدالله مستوفی از رجال سیاسی این عصر، در شرح زندگانی خود می‌نویسد:

«ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می‌تراشید، در این کار هم سعی فراوان به خرج داد و شبیه خوانی را وسیله اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد...»^{۱۳}

«ژان کالمار» عقیده دارد، تکیه دولت را که شاه به تقلید از عمارت «آلبرت هال» لندن بنا نمود، بنا داشت نمایشهای غیر مذهبی در آن اجرا شود که شرایط و اوضاع به وی چنین اجازه‌ای را نداد.

راه یافتن تحریف و مطالب غیر واقع در مجالس تعزیه‌ای که به سفارش ناصرالدین شاه، تنظیم شده بود موجب آن گردید که امیرکبیر صدر اعظم شاه قاجار، با تذکر و توصیه‌های علما و فقهای عصر، از اجرای تعزیه با آن وضع جلوگیری به عمل آورد، و به یکی از شعرای بنام و مشهور عصر که «شهاب» نام داشت دستور داد تا مجالس تعزیه را پیراسته از خرافات و اضافات، ترتیب دهد. شهاب هم ضمن آنکه کوشید صحنه‌های تعزیه واقعی باشد، دوازده مجلس تعزیه را چنان ترتیب داد که بسیار گریه خیز و غم انگیز بود. در کتاب امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، به این حرکت اصلاحی و مبارزه امیرکبیر با تحریفات عاشورا اشاره شده است:

«...امیر با بعضی از مظاهر عزاداری که مناسب روح اسلام هم نیست مخالفت کرده... و یا با خرافات دیگر که مایه ننگ و عار دین است مبارزه کرده... و

.....
۱۳ - شرح زندگانی من، ج ۳، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۵، ص ۲۸۸.

نیز در صدد بوده است که وضع روضه‌خوانی و تعزیه‌داری را به صورت آبرومند و دنیا پسندی درآورد...»

مؤلف در تأیید کارهای امیر، می‌نویسد:

«من... او را به عنوان مسلمان متدین و وظیفه‌شناس و یک مصلح بزرگ دینی و اجتماعی و یک زمامدار اسلامی که درست انجام وظیفه می‌کرده است، مورد ستایش قرار می‌دهم و علت اساسی نوشتن این کتاب هم این بود که عملاً به روشنفکران مسلمان نشان دهم که این گونه اصلاحات و اقدامات، خواسته روحانیون و مسلمانان روش ضمیر است...»^{۱۴}

مجلس تعزیه ناصرالدین شاه!!

تعزیه نویسان، مجلس تعزیه‌ای تنظیم کرده‌اند تحت عنوان: تعزیه ناصرالدین شاه که با نهایت تأسف در فصلنامه تئاتر که از نشریات هنری وزارت ارشاد اسلامی است (شماره چهارم و پنجم) به چاپ رسیده است.

در این تعزیه، پادشاه جبار و ستمگری که سه بار به طور رسمی و چندین بار به صورت غیر رسمی جهت ارضاء هواهای نفسانی به اروپا رفت و دارای حرمسرا بود و در دوران نیم قرن سلطنت خود هشتاد و سه قرارداد تجاری و سیاسی بین مرزی با استعمارگران بست، پیر و امام حسین و عزاداری برای شهیدان کربلا است و بعد هم توسط یکی از اشقیاء!! که میرزا رضای کرمانی نام دارد کشته می‌شود. چقدر باید انسان بهت زده شود از اینکه طلبه‌ای - تحت تأثیر سخنان مصلح بزرگ جهان اسلام یعنی سید جمال الدین اسدآبادی - برود مظهر شقاوت و جرتومه خیانت را به هلاکت برساند و آن وقت وی را در تعزیه ادامه دهنده راه بنی امیه قلمداد نمایند!! در آغاز این تعزیه ناصرالدین شاه در حال مناجات می‌گوید:

تاج شهی بر سرم ز لطف نهادی ناصر دینم نموده‌ای تو به دوران!!!
کاش می‌بودم زمین کربلا کاش می‌کردم جان خود را فدا!!!

.....

۱۴ - امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص.

و از زبان میرزا رضای کرمانی:
 وقت آن شد رخنه در ایمان کنم خانهٔ ایرانیان ویران کنم!!!
 هاتف غیبی پس از اصابت تیر به سوی شاه قاجار:
 صد فغان از جور بی دینی عنید ناصرالدین شاه اندر خون طپید!!!
 و شاه در آخرین لحظات:
 منم گشتم فدای شاه خوبان برس فریاد من ای حی سبحان!^{۱۵}

تعزیه سرایان

از مشهورترین افرادی که متون منظوم تعزیه را تنظیم کرده‌اند، سید مصطفی کاشانی مشهور به «میر عزا» را می‌توان نام برد. وی در آغاز در کاشان تعزیه‌گردان بود و ضمن این کار به دلیل آنکه از ذوق شعری برخوردار بود به نوشتن تعزیه مبادرت می‌نمود، میر عزا در اواخر عمر به تهران آمد و در تکیه دولت ضمن تعزیه‌گردانی، مجالس تعزیه‌ای هم به دستور ناصرالدین شاه، تحریر نمود. «میر ماتم» برادر میر عزا و فرزندش آقا سید محمد کاظم «میر غم» در عهد محمد علی شاه قاجار این برنامه را ادامه دادند، میرزا نصرالله شهاب لای سمیرمی متوفی به سال ۱۲۹۱ قمری که شرح حالش در غالب تذکره‌ها دیده می‌شود، به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر دوازده مجلس تعزیه سرود که در آن نوبت هر یک از تعزیه‌خوانان بین ۷ تا ۱۰ بیت است و معمولاً گفتگوها طولانی، اما سوزناک و هیجان‌زاست.^{۱۶}

فردی به نام میرزا محمد تقی که در دستگاه فتحعلی شاه قاجار نفوذ داشت، چندین مجلس تعزیه فراهم نمود.

.....

۱۵ - مجلس تعزیه ناصرالدین شاه، فصلنامه تئاتر، سال اول و دوم، ش ۴ و ۵، زمستان ۱۳۶۷ و بهار ۱۳۶۸، ص ۲۵۱ - ۲۶۸؛ همچنین در مجله نمایش، سال سوم، ش ۳۴، مرداد ۱۳۶۹، از ص ۱۰ تا ۱۷، مجلس فتحعلی شاه قاجار معرفی شده است.

۱۶ - شهاب اصفهانی تعزیه نویس، به قلم محمد حسن رجائی زفره‌ای، دست نویس.

ملا آقا بابای کازرونی که به «ملا بابا» مشهور است از مرثیه سرایان و تعزیه نویسان قرن سیزدهم هجری قمری به شمار می‌رود، مجلس تعزیه وفات ابراهیم که ۲۸۰ بیت دارد از آثار مشهور اوست. دیگر تعزیه نویسان عبارتند از: اسماعیل هنر فرزند یغمای جندقی؛ محمد علی مستوفی محمد آبادی؛ حاج میرزا امین خلیفه سلطانی متخلص به «طایر»؛ ملا حسین رضوانی جرقویه‌ای (امیر عزا) و... .

غالب این تعزیه نویسان از روی صدق و اخلاص و به جهت محبت به ساحت مقدس اهل بیت ذوق و شوق خود را در جهت تنظیم مجالس تعزیه به کار گرفته‌اند ولی واقعیت این است که برخی مجالس تعزیه نه با واقعیت‌های تاریخی مطابقت دارند و نه با روح تشیع سازگارند و حتی ارزش ادبی چندانی ندارند. عنایت الله شهیدی می‌نویسد:

«نقال تعزیه برای جلب نظر تماشاگران و برانگیختن عواطف آنان اغلب آه و ناله و اشارات را با واژگان کوچه بازاری و عامیانه درهم می‌آمیخت...»
«ماتیو آرنلد» ادبیات تعزیه را عامیانه و بازاری تلقی نموده و عقیده دارد سازندگان تعزیه در جهت توسعه و ترقی مجالس تعزیه فکری نکرده‌اند و این امر موجب آن شده تا تعزیه در مرحله ساده و ابتدایی باقی بماند.

تعزیه‌خوانان

تعزیه‌خوانان که از میان مردمان علاقه‌مند برخاسته‌اند، بر حسب استعداد و صوت و سن و حتی قیافه ظاهری نقش‌هایی را به عهده می‌گیرند. در روستاها و شهرهای کوچک این افراد بر حسب سنت موروثی از سنین کودکی به تعزیه روی می‌آورند و در هر دوره‌ای از عمر خود به ایفای نقشی متناسب می‌پردازند. آنها که از صوتی خوش و آوازی گیرا برخوردارند، نقش موافق‌خوانی را برعهده دارند ولی افرادی که صدای کلفت و یا قیافه‌ای گرفته دارند در نقش اشقیای بازی می‌کنند.

در میان تعزیه‌خوانان، تعزیه‌گردان که به معین البکاء موسوم است بیشترین تلاش را به عهده دارد. استنساخ نسخ تعزیه و توزیع آن بین افراد تعزیه‌خوان، شناسایی نیروهای جوان و تازه کار و آموزش و تربیت آنان و آماده سازی آنها برای

ایفای نقشی که باید به عهده بگیرند، ایجاد هماهنگی بین افراد تعزیه و اصلاح تعزیه از جمله وظایف این فرد می‌باشد. در شهرهای کوچک و روستاها، معمولاً تعزیه‌خوانان و بویژه تعزیه‌گردان به فعالیتهای مشابهی چون مداحی، نوحه‌خوانی، دعا نویسی، قرائت قرآن در مجالس ترحیم و اذان‌گویی مشغول می‌شدند. متأسفانه با وجود آنکه اکثر آنها چهره‌های صدیق و موجهی بودند و در محل زندگی خود به خوبی و نیکی شهرت داشتند برخی از آنها، در نزد مردم از سابقه خوبی برخوردار نبودند و گاهی به چشم مجرم بدانها نگریسته می‌شد. روی آوردن به مواد مخدر، انجام خلافهای اخلاقی، و مواردی از این قبیل، پرونده اینان را در نزد اهالی مخدوش می‌نموده است و لذا ارائه نقش اولیا و ایفای نقش زنان حرم توسط چنین افرادی، چندان شایسته نمی‌باشد.

مردم و تعزیه

از محاسن تعزیه این است که می‌کوشد با بهره‌گیری از امکانات ساده و صوت خاص و سنج و طبل و نیز اشیاء نمادین و سمبلیک، رنگ لباس، به ترسیم صف اولیاء و اشقیاء بپردازند. اولیاء لباسهای سبز، سفید و مشکی بر تن دارند، محزون و ملایم و موزون می‌خوانند، با ملائک و جنیان در ارتباطند و حتی وحوش برای آنها عزا دارند. اشقیاء با کلمات بریده و مطمئن، لباس سرخرنگ، پا بر زمین کوبیدن، فریاد زدن، لعن و نفرین فرستادن بر نقشهای اصلی خود، می‌کوشند شقاوت و سنگدلی را ترسیم کنند. چنین برنامه‌ای موجب آن می‌شود تا تماشاگران، مجذوب تعزیه شده و از مشاهده چنین صحنه‌هایی بشدت متأثر شوند و ضمن فریاد حسین حسین و گریان گشتن بر مصائب اولیاء، نفرت و انزجار خود را از جفاکاران و ستم پیشگان اعلام کنند. آنان با وجود آنکه در تأمین امکانات خود با مضایقی روبرو بوده‌اند، از آب و نان خود مایه گذاشته و مراکزی تحت عنوان حسینیه را بدین امر اختصاص داده، موقوفاتی برایش در نظر گرفته و از طریق اهدای نذورات، ادوات و سایر امکانات تعزیه را فراهم نموده‌اند.

برخی از اشیائی که در تعزیه توسط اولیا به کار گرفته می‌شود، در نزد مردم

مقدس است. به عنوان مثال کفنی که شهادت‌خوان بر تن می‌کند برایشان به اندازه‌ای متبرک است که در پایان تعزیه بدان حمله‌ور شده و هر کدام تکه‌ای از آن را برای خود برمی‌دارند.

طشت پایه‌داری که به علامت فرات در گوشه‌ای از مجلس تعزیه نهاده می‌شود برای مردم، با تبرک توأم است و لذا موقعی که شهادت‌خوان دست بر آب آن می‌زند و مشک خشکیده را با آن تر می‌کند، مردم از گوشه و کنار مجلس هجوم می‌آورند تا ظرف آبی از این طشت - که نمادی از فرات است - برداشته و به قصد تشفی بنوشند.

افرادی که تماشاگر تعزیه هستند، به قصد ثواب در برخی فعالیت‌های حسینیہ دخالت دارند: حرکت نخل و بیرق‌ها، تدارکات تعزیه، فراهم نمودن مرکب تعزیه‌خوانان، سینه‌زنی به دعوت تعزیه‌خوان، از آن جمله است. مردم گاهی چنان در صحنه‌های تعزیه غرق می‌شوند که احساسات و هیجانات زایدالوصف آنها تمامی مجلس را فرا می‌گیرد و چنین حالتی تعزیه‌خوانان را در مهیج‌تر نمودن صحنه‌ها یاری می‌دهد و در این حالت تعزیه‌خوانان و مردم با هم یکی شده و از اتحاد آنها مجلس، حالت سوگواری و حزن و اندوه شدیدی به خود می‌گیرد و این از مزایای با ارزش تعزیه است. تعزیه در آداب و رسوم مردم و نیز برخوردها و مسائل اجتماعی تأثیر خود را بروز داده و در نقاطی که سالهای متمادی با این نمایش در تماس بوده‌اند این حالت را می‌توان ملاحظه نمود.^{۱۷}

تعزیه و ارزشهای شیعه

همان گونه که وظیفه ما زنده نگه داشتن عاشورا می‌باشد بر ما فرض است که این برنامه را از مجرای صحیح و منطبق بر شئون اسلامی اجرا کنیم و اجازه ندهیم این سنت اسلامی که مورد تأکید ائمه بوده، از ارزشها و آرمانهای شیعه فاصله بگیرد و خدای ناکرده با مفاهیم اسلامی در تعارض باشد.

.....
۱۷ - کتدو کاوی در تعزیه و تعزیه خوانی، تألیف نگارنده، دست نویس.

تعزیه باید شعله محبت اهل بیت را در دلها به گونه‌ای زنده کند که مردم هم‌نوا با زندگی عملی آن ستارگان درخشان شیعه، برنامه زندگی خود را تنظیم و به فضائل روی آورده از رذائل اجتناب ورزند. گر چه تعزیه می‌تواند در مسائل هنری و ادبی، از فرهنگ ایرانی و سنن قومی بهره بگیرد اما پیام تعزیه باید محتوایی اسلامی داشته باشد و عقاید و اندیشه‌های مکتب تشیع را تبلیغ نماید.

اگر تعزیه هنری است مذهبی، باید عنصری سازنده از اندیشه‌های اسلامی در آن نهفته باشد و حقیقتی زنده و پویا را نوید دهد و معرفت و بینش تماشاگران رانسبت به اسلام و اهل بیت بیفزاید.

اما دریغ که به خاطر روی آوردن تعزیه به فرهنگ اساطیری و الهام از آداب و رسوم عامیانه و نیز راه یافتن فرهنگ پادشاهان و خوانین بدان، این نمایش زیبای مذهبی که با سنتهای مردمی پیوندی عمیق دارد و می‌تواند بخوبی در اذهان و قلوب تأثیر بگذارد، دچار زنگارهایی شده و به جای یاد آوری صداقتها، حق‌گویی‌ها و ایثارهای اهل بیت، به دلیل آنکه در محاق مضامین وهن انگیز و مطالب خرافی است، اندیشه‌هایی را به تماشاگران القا می‌کند که با تعالیم و مکارم و فضائل ائمه سر سازگاری ندارد. ما نباید به خاطر اینکه می‌خواهیم شور و احساسات مردم را افزون کنیم و گریه و شیونها را تشدید نماییم از هدف باز مانیم و نباید این گونه تصور کنیم که چون هدف مقدس است به هر وسیله‌ای دست یازیم. استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید:

«...گریستن بر امام حسین کار بسیار خوبی است، به چه وسیله بگریانیم؟ به هر وسیله که شد؟ هدف که مقدس است، وسیله هر چه شد، شد؟! اگر تعزیه در آوردیم، يك تعزیه اهانت آور، درست است یا نه؟ اشك جاری می‌شود یا نه؟ همین قدر که اشك جاری شود، اشكال ندارد؟! شیپور بزنیم، طبل بزنیم، معصیت کاری بکنیم، به بدن مرد لباس زن بپوشانیم، عروسی قاسم درست کنیم، جعل کنیم، تحریف کنیم، در دستگاه امام حسین این حرفها مانعی ندارد؟... هر گناهی که اینجا بکنید بخشیده است؟ هدف خیلی مقدس است، در نتیجه افرادی دست به جعل و

تحریف این قضیه زدند که انسان تعجب می کند...»^{۱۸}

مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی در گفتاری پیرامون عاشورا می گوید:
«... عزاداری باید مردم را دین شناس کند. روح توحید را در ایشان زنده کند، بدانند که مجلس عزای ابا عبدالله تنها موقعی باعث خشنودی خدا و قبول و موجب اجر و ثواب اخروی است که در حدود بندگی خدای تعالی به انجام رسد و مشتمل بر دروغ و حرامی نباشد، چه خدا را از راه گناه نمی توان عبادت کرد و حرام را نمی توان مقدمه عبادت قرار داد...»^{۱۹}

شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد می نویسد:

«... آیا این غم انگیز نیست که خاطره های حیات بخش نینوا را که بر کالبد های اجتماعات مرده و ملت های ستمدیده روح آزادی و زندگی می دمد و حوادثی که در آن سرزمین عدل و آزادی واقع شد که هر يك عالیتین درس عزت و آزادی و فضیلت به جهان انسانیت می دهد، به صورت مبتذل و ذلت آوری یاد کنیم و مثلاً به بهانه زبان حال از قول سالار شهیدان بخوانیم: شدم راضی که زینب خوار گردد!!»^{۲۰}

در کتاب: «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» چنین آمده است:

«حسین بن علی را از این داستان، هدف عالی و مقدس بوده و موضوع، بزرگتر از آن است که معمولاً می اندیشیم... این چنین نیست که حسین بن علی سیدی بود ضعیف و ناتوان، دورش را گرفتند و با لب تشنه سر از تنش جدا کردند و زن و بچه اش را به اسارت کشیدند و ما به یاد ستمگری هایی که در باره او وزن و بچه اش روا داشتند فقط باید گریه کنیم.»^{۲۱}

اولیاء و اهل بیت در تعزیه

مجالس تعزیه را به لحاظ تحریفاتی که به آنها راه یافته می توان به چند دسته تقسیم

.....

۱۸ - حماسه حسینی، شهید مطهری، ج ۱، ص ۴۹.

۱۹ - بررسی تاریخ عاشورا، محمد ابراهیم آیتی، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲۰ - درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، شهید هاشمی نژاد، ص ۳۹۲.

۲۱ - حسین بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، محمد یزدی، ص ۱۹.

نمود:

ا: تعزیه‌هایی که با منابع تاریخی و روایی انطباق ندارند و صرفاً به خاطر آنکه توده مردم از این نوع نمایشها خوششان می‌آمده و یا مورد تأیید سلاطین بوده پدید آمده است: مثل تعزیه فاطمه صغرا و خبر دادن مرغ به ایشان داستان شهادت پدر و برادرانش را، مجلس تعزیه ظُهری یهودی، مجلس تعزیه قانیا پادشاه فرنگ، مجلس تعزیه صالح یهودی و آب کشی حضرت امام حسین(ع)، مجلس تعزیه پیرزنی که می‌خواهد به کربلا رود و حضرت عباس(ع) او را از دست متوکل نجات می‌دهد، مجلس تعزیه شیری که از دست صیادی به حضرت عباس پناه می‌آورد تا بچه‌های او را از صیاد پس گیرد و... .

ب - تعزیه‌هایی که در آغاز، نقصی نداشته‌اند و رفته رفته تعزیه‌خوانان به سلیقه خود و بدون توجه به روایت تاریخی، به آنها مطالبی افزوده و یا بخشهایی از آنها را حذف نموده‌اند. نمونه بارز آن تعزیه مسلم بن عقیل است که نگارنده بین مجلسی که در سال ۱۳۲۱ شمسی در دسترس بوده و مجلسی که اکنون خوانده می‌شود، تفاوت‌های آشکاری را ملاحظه کرد.

ج - تعزیه‌هایی که گر چه شاید به لحاظ انطباق با تاریخ و منابع مستند اشکالی ندارند اما از نقطه نظر روح و پیام تعزیه اشکال دارند و در آنها اهل بیت عصمت و طهارت به گونه‌ای جلوه داده می‌شوند که مطابق با مقام با عظمت آنها نمی‌باشد همچون القاء این عقیده که امام حسین(ع) و یارانش برای گناه امت فدا شدند و یا اینکه: امام حسین(ع) و یارانش بر اساس جبر و سرنوشتی محتوم چاره‌ای جز نابود شدن نداشتند.

واقع امر این است که بین اهل بیتی که تعزیه تحریف شده به معرفی آنها می‌پردازد و اهل بیتی که روایات و منابع مستند شیعه معرفی می‌کند بسیار فاصله است. امام که در فرهنگ شیعی مظهر تقوا و عدالت و حق طلبی است و واسطه فیض الهی و تجلی لطف حق می‌باشد و رهبری است با جامعیت در نظر و عمل و مقاوم در مقابل ظلم و ستم و نفاق و نماینده فضیلت و شرف و پاکدامنی و آشتی ناپذیر با هرگونه شقاوت و کژی و ناراستی، در برخی مجالس تعزیه فردی عاجز و مضطر و ستم‌دیده،

ناتوان و تحقیر شده و خوار و زار معرفی می‌شود که برای به دست آوردن قطره‌ای آب در مقابل اشقیای حالت تضرع به خود گرفته و التماس می‌کند. چهره‌ای از آن ستارگان درخشان ساخته‌اند که گویی ذلت را پذیرفته و همچون آدم بینوای فلک زده‌ای تن به حوادث روزگار داده و منتظر است تا چرخ دون و سپهر نیلگون و فلک غدار برایش رویدادهایی را رقم بزند و او هم جبراً باید بدانها تن در دهد و برای امام حسین تعزیه‌ای درست کرده‌اند که در آن، بدون هیچ گونه مقاومتی در مقابل دشمنان به طرز فجیعی از بین می‌رود. استاد شهید مرتضی مطهری از نسبت دادن چنین اموری به امام، بشدت ناراحت شده و می‌گوید:

«...آدمی که کشته شدنش سبب شد که نام او پایه کاخ ستمگران را برای همیشه بلرزاند نفله شد؟ خونش هدر رفت؟ برای اینکه حسین بن علی نفله شد ما غصه بخوریم؟ تو نفله شدی بیچاره نادان... حسین بن علی يك مکتب به وجود آورد... زنده کردن نام و نهضت او برای این است که پرتوی از روح حسین بن علی بر روح ما و شما بتابد. اگر ذره‌ای از ایمان او، ذره‌ای از تقوای او، ذره‌ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شد آن اشک بی‌نهایت قیمت دارد، اما نه اشکی که برای نفله شدن حسین باشد، بلکه اشکی که برای عظمت حسین (ع) باشد...»^{۲۲}

در تعزیه این اشعار را از زبان امام می‌خوانیم:

امام حسین (ع) خطاب به زینب:
امان که زار و مضطرم سیاه روزگار من
شد وقت آن که کشته شوم من ز ظلم و کین
گردی تو خوار زار پس از من در این دیار

زینب:

ای صد هزار اف به تو ای تیره روزگار
کردی ز کینه آل علی را ذلیل و خوار

.....
۲۲ - حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۹ - ۸۰ و ۸۱.

این ظلم کی رواست که زینب به کربلا
خواری مگر نصیب به آل پیمبر است

امام حسین:

امروز گشته کار به من تنگ، یا علی گشتم حقیر و بی کس و بی یار، یا علی
زینب:

چه سازم بی پسر گردیدم امروز حقیر هر نظر گردیدم امروز
امام حسین خطاب به زینب(س):

شده وقتی که گردی خوار و رسوا میان کوچه‌ها ای جان خواهر
دختر امام:

من عابد زار ناتوانم در دام مخالفان گرفتار
بابا، به مدینه خوار و زار باشم شب و روز دیده خونبار

دختر امام خطاب به برادر:

اسیر و خوار بودی ای برادر زغم افکار بودی ای برادر
چون شد ز نظر مرا فکندی این نوع به خواریم پسندی!!!

در تعزیه از حماسه‌های رزمی و رجزهای زیبایی که شهیدان کربلا خوانده‌اند
خبری نیست، علی اکبر(ع) فرزند بزرگ امام حسین(ع) می‌خواهد برای رهایی امت
گنهکار به جدال با اشقیاء رود، ام لیلا بسیار ناراحت است و مجلس تعزیه این
حماسه‌ساز کربلا به يك صحنه عشق و عاشقی و احساسات شدید و برگرفته از
سنت ایرانی تبدیل می‌شود، استاد مطهری عقیده دارد مادر علی اکبر در کربلا
نبوده است و آن وقت صدها بیت شعر بین این جوان و مادرش محاوره می‌شود.
برای قاسم در شب عاشورا و در لابلای اجساد شهدا حجله‌ای تشکیل داده می‌شود
و بساط عروسی راه می‌افتد و تعزیه خوانان با هم می‌خوانند:

همه کف زنید و خندید نی و دف زنید و بندید
ز وفا حنا بیندید بزیند طبل شادی!!!

این داستان کذب محض بوده و در هیچ تاریخ معتبری وجود ندارد و اولین کسی که آن را در کتاب خود آورد، ملا حسین کاشفی صاحب روضه الشهداء بود، شهید مطهری می‌فرماید:

«... شما را به خدا ببینید حرفهایی را که گاهی وقتها از يك افراد در سطح خیلی پایین می‌شنویم که مثلاً می‌گویند من آرزو دارم عروسی پسرم را ببینم، آرزو دارم عروسی دخترم را ببینم به فردی چون حسین بن علی (ع) نسبت می‌دهند آن هم در گرما گرم زد و خورد که مجال نماز خواندن نیست...»^{۲۳}

شهید کربلا فدای امت عاصی!!!

یکی از تحریفات معنوی تعزیه، تصور غلط از مسئله شفاعت است و اینکه تمام مصائبی که بر خاندان عصمت و طهارت رفت برای این بود که امت گنهکار از آتش دوزخ نجات یافته و به بهشت برین گام نهند، اروپاییان در هنگام مشاهده تعزیه، این باور غلط را که در این نمایش راه یافته به شیعیان نسبت می‌دهند: «ش ویرولود» در مقاله تئاترهای ایران می‌نویسد:

«در نظر شیعیان، امام حسین (ع) تنها يك جنگجوی شجاع نیست بلکه شهیدی است که خود را فدای معتقدین خود نموده است تا آنها بتوانند الی‌الابد خوشبخت باشند... اگر امام حسین شکست خورد یا شهید شد برای این نبود که تقصیری متوجه او بوده یا نوعی بی‌احتیاطی کرده باشد، بلکه برای این بود که اراده خداوندی بر این مقدر گردیده بود، امام حسین با میل و رغبت، خود را فدا نمود تا شیعیانش هم در این دنیا و هم در دنیای دیگر نجات یابند...»^{۲۴}

«ویلیام م. ال هنوی» نوشت: «در باور شیعه معروف است که حسین برای تمامی شیعیان عالم به شهادت رفت و این مطلب در بعضی از مجالس نیز آشکارا بیان می‌شود، جان فدا کردن حسین برای تأمین رستگاری مابقی امت شیعه

.....
۲۳ - همان، ص ۲۷ و ۲۸.

۲۴ - تمدن ایرانی، چند تن از خاور شناسان، مقاله «Sh. Virolleaud»، ش ویرولود.

است.»^{۲۵}

به نظر می‌رسد این برداشت غلط از شفاعت در تعزیه به دلیل اقتباس آن از نمایشهای قرون وسطای مسیحیان باشد. دکتر مهدی فروغ که تز دکترایش در خصوص تعزیه است می‌نویسد:

«... اینها [مجالس تعزیه] در واقع همان راه و رسمی بود که در اروپای قرون وسطی معمول بود یعنی نمایشنامه‌های مذهبی «میراکل و میسترها» ایرانیان هم بدون اینکه اصلاً قصد فتوکپی کردن داشته باشند همین‌راه و رسم را دنبال کردند...»^{۲۶}

دکتر عبدالحسین زرین کوب هم عقیده دارد تعزیه در ایران از نفوذ و تأثیر نمایشنامه‌های فرنگی پدید آمده است.^{۲۷}

البته به تعبیر دکتر محمد جعفر محبوب: «... وقتی گفته می‌شود که تعزیه از نمایشهای مذهبی دنیای غرب در سده‌های میانه اقتباس شده است، بدان معنی نیست که تعزیه ما تقلیدی کورکورانه از تئاتر مذهبی غرب است. نه، تعزیه گونه‌ای نوزایی است که منابع و عناصر آن هزاران سال پیش پدید آمدند...»^{۲۸}

«پیتر چلکووسکی» که ادعا دارد تعزیه نمایش بومی پیشرو ایران است عقیده دارد که میان اجتماعات ماه محرم [مجالس تعزیه] و تئاتر قرون وسطایی، شباهتهای بسیاری وجود دارد. ادوارد براون اظهار می‌دارد که:

«... از بعضی وقایع که در این تاریخ داخل شده معلوم می‌گردد که شیعیان بلا اراده در برخی اعتقادات با مسیحیان شباهت دارند، از آن جمله اعتقاد به شفاعت است که شهادت امام حسین را مثل عیسی برای طلب بخشش گناه و شفاعت کردن در روز قیامت ضروری می‌دانند. از شواهد همفکری، اسلام آوردن ایلچی «فرنگی» در بارگاه یزید است که در تعزیه‌ها دیده‌ام...»^{۲۹}

.....
۲۵ - تعزیه هنر بومی ایران، مقاله ویلیام م ال هنوی، ص ۲۵۷.

۲۶ - ارزیابی تعزیه، دست نویس، ص ۸۷.

۲۷ - نه شرقی نه غربی، انسانی، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸۷.

۲۸ - تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۹۸.

۲۹ - تعزیه و تعزیه خوانی، صادق همایونی، تهران، ۱۳۵۳، مقدمه کتاب.

هنگامی که در سال گذشته از سوی هنرمندان ایران چندین مجلس تعزیه در آوینیون فرانسه برگزار شد، نشریات اروپایی چنین نظراتی ارائه دادند: «فیگارو» (۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱ میلادی) نوشت: «تعزیه مخلوطی از مراسم مذهبی و تئاتری است که مصائب مسیح را به ذهن می‌آورد.»

«دزاگو» (۲۳ ژوئیه ۱۹۹۱ م): «تعزیه از قرون وسطی الهام یافته است.» روزنامه «مری دیونال» (۲۲ ژوئیه ۱۹۹۱ م) نوشت: «تعزیه یک نمایش تئاتری نیست بلکه قبل از هر چیز صحنه‌ای از آیینهای مذهبی و یادواره قتل امام حسین (ع) است، این امام نوعی مسیح (ع) برای شیعیان است.»^۲ استاد شهید مرتضی مطهری (ره) این مسئله را از تحریفات معنوی راه یافته در عزاداری‌ها و بخصوص تعزیه‌ها می‌داند و می‌فرماید:

«...از نظر مسیحیت این جزء متن مسیحیت است که عیسی به دار رفت تا کفاره گناهان امت باشد... فکر نکردیم که این حرف، حرف دنیای مسیحیت است، با روح اسلام سازگار نیست، با سخن حسین (ع) سازگار نیست، به خدا قسم تهمت به اباعبدالله است، والله اگر کسی در ماه رمضان روزه داشته باشد و این حرف را به حسین بن علی نسبت بدهد... روزه‌اش باطل است... من نمی‌دانم کدام جانی یا جانی‌هایی، جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی وارد کردند و آن اینکه هدف حسین بن علی (ع) را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی‌ها در مورد مسیح گفتند در باره حسین گفتند که حسین کشته شد برای آنکه بار گناه امت را بدوش بگیرد، برای اینکه ما گناه بکنیم و خیالمان راحت باشد...»^۳ دکتر محمد ابراهیم آیتی می‌گوید:

«...نعوذ بالله این توجیه و طرز فکر که شاید مورد پسند بیشتر عوام باشد درست نقطه مقابل واقعی [نظر] امام (ع) در این نهضت است، یعنی او قیام کرد تا مردم بیشتر از خدا بترسند، بیشتر از آثار گناه که در دنیا و آخرت دامنگیر گناهکاران

۳۰ - مجله نمایش، شماره ۴۷، شهریور ۱۳۷۰، ویژه آوینیون.

۳۱ - حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۶ و ۷۷.

می‌شود بر حذر باشند، امام کشته نشد تا به مردم بگوید که بعد از شهادت من نیازی بر راست گفتن و امانت داشتن و عبادت کردن و تحصیل مال حلال و پرهیز از کارهای حرام... نیست.»^{۳۲}

شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد می‌نویسد: «آیا این گنهکاران آنقدر عزیزند که عزیزترین انسانهای امت باید فدای آنها گردد، اشتباه نشود ما عظمت معنوی حسین (ع) و قرب و منزلت خاصی که آن بزرگوار در پیشگاه آفریدگار بزرگ جهان دارد و مقام شفاعت عظمایی که خداوند به آن حضرت در قیامت عنایت فرمود، را انکار نمی‌کنیم.»^{۳۳}

تردیدی نیست که آن چشمی که بر ابی عبدالله (ع) نگرید و آن دلی که نسوزد، چشم و دل بشر نمی‌باشد اما این مطلب با این جداست که سید الشهداء شهید شد تا مردم جمع شوند و گریه کنند و آمرزیده شوند. آری امام حسین (ع) کشتی نجات است اما نه برای انسانهایی که مثل پسر نوح عمری را در نافرمانی و عصیان زندگی می‌کرده‌اند، امامی که در آن شرایط ناگوار با آن همه گرفتاری، جنگ و دفاع را برای چند لحظه قطع می‌کند تا نماز بخواند، چگونه راضی می‌شود که کسی به جای نماز برای وی عزاداری کند و یا به اطمینان شفاعت و طرفداری از او، امور واجب را انجام ندهد.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«به خدا قسم نمی‌توان به خدا تقرب جست مگر به طاعت و بندگی، با ما برائت از آتش نیست و هیچ کس بر خدا حجتی ندارد که اگر او را خدا نیامرزد بگوید من شیعه علی هستم چرا خدا مرا نیامرزد؟ هر کس مطیع خداوند باشد با ما دوست است و هر کس در نزد خدا گنهکار باشد دشمن ماست...»^{۳۴}

نمونه‌هایی از تعزیه که دلالت دارد بر اینکه امام برای امت عاصی کشته شد:

امام حسین:

.....

۳۲ - بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳۳ - درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت، ص ۳۹۳، ۳۹۴.

۳۴ - معجزة البیضا، بخش اخلاق الأئمة و آداب الشیعة، فیض کاشانی، ترجمه دکتر ناصح، ص ۳۰۷.

رضا شدم به شهادت، خدای بی همتا از این جهت که بیخشی گناه امت را^{۳۵}
به خون بها، تو کلید شفاعتم دادی بده به امت جدم برات آزادی^{۳۶}
امام خطاب به زینب:

از شهادت من شوم مردان این امت شفیع
از اسیری تو شوی زندهای امت دستگیر
زینب:

گرچه هجران تو بر زینب برادر مشکل است
لیک بهر امتان راضی شدم ای بی نظیر^{۳۷}
و این نمونه:

ای خواهر ستم زده ای زینب حزین بخشد خدا به خون من عصیان مؤمنین
غمگین مشو اگر به تو ظلم و جفا رسد بر من شهادت و به شما غصه و تعب^{۳۸}
امام:

خواهر رضا شدم به چنین ظلم بیکران تا بگذرد خدا ز گناهان شیعیان^{۳۹}
حضرت علی خطاب به امام حسین:
شوی شهید زبیداد کین به کرب و بلا برای شیعه خود جان خود کنی تو فدا^{۴۰}
امام حسین در تعزیه‌ای به همین نام خطاب به زینب:

راضیم در کربلا از بهر جرم شیعیان در میان خاک و خون افتد ز کینه پیکرم
و این جملات:

امتان گنهکارند خود به من نظر دارند من دگر نمی‌آیم خواهرها خدا حافظ^{۴۱}
و هنگامی که مرد قصاب از امام سجاد علت ستمکاریهای کربلا را می‌پرسد

.....
۳۵ - ۳۶ - مجلس تعزیه شیر افکن.
۳۷ - مجلس تعزیه غلام ترک‌الزین العابدین (ع).
۳۸ - مجلس تعزیه عابس و شوذب.
۳۹ - مجلس تعزیه طفلان زینب (س).
۴۰ - مجلس تعزیه شهادت امیرالمؤمنین (ع).
۴۱ - مجلس تعزیه حضرت امام حسین (ع).

ایشان می‌فرماید:

چه گویم بهر امت این جفا شد
و از این نمونه‌ها در اکثر تعزیه‌ها وجود دارد.

اهل بیت در تعزیه، اسیر چرخ و فلک

از تحریفات معنوی دیگر که به متون تعزیه رسوخ نموده، عقیده جبریون است که می‌گویند: هر کسی بازیچه سرنوشت خویش است. این عقیده که بنی امیه مروج آن بودند جایی را برای سعی و مجاهدت و در آویختن با مشکلات و دشواریها برای انسانها باقی نمی‌گذارد و بر اساس آن، دیگر کسی به فکر تقویت شخصیت و اصلاح اخلاق و کنترل اعمال خود نمی‌افتد؛ زیرا همه چیز را به تقدیر حواله می‌کند و گاهی هم از چرخ و فلک و روزگار شکایتی می‌کند، این تصور غلط به جامعه چنین القا کرده بود که آن که از مواهب الهی محروم است حق اعتراض ندارد. مظلوم هم حق اعتراض و شکوه ندارد، بلکه این تقدیر است که چنین ستمی بر وی روا کرده و مبارزه با ستم امری بیهوده است. تفکر منحط مزبور، اراده و اختیار را از انسان نفی می‌کند و دیگر خبری از مسئولیت در قبال مسائل اجتماعی وجود ندارد و هر کسی در انتظار حوادث جبری از تلاش و کوشش دست برداشته و جامعه به سوی رکود و جمود، سوق داده می‌شود.

اینک چند نمونه از اشعار تعزیه که از امور جبری حکایت می‌کند:
زینب:

این کوکب من است که در آتش اندر است
این سرنوشت من ز قضای مقدر است

امام حسین:

خواهر مرا ز روز ازل این مقدر است غمگین مشو که یار تو خلاق داور است^{۲۲}

امام خطاب به سکینه:

ای سکینه ضیاء دیده من طفل ناشاد غم رسیده من

.....
۲۲ - مجلس تعزیه عابس و شؤذب.

چه کنم قسمت این چنین شده بود
 تو اسیر سپاه شوم شوی
 از ازل سرنوشت این شده بود
 در کف لشکر ظلوم شوی^{۲۳}
 شمر خطاب به زینب:
 فغان و ناله تو ای حزینه سود ندارد
 رقم به نام تو روز ازل، اسیری بود^{۲۴}

موسی بن جعفر خطاب به وزیر هارون:
 رضایم چون مراگردیده تقدیر
 که در غربت بمیرم زیر زنجیر
 وزیر هارون جواب می‌دهد:

نهادی پا چو اندر بند تقدیر
 بیا دست تو را بندم به زنجیر
 به موازات این تصور غلط، در اکثر تعزیه‌ها از زبان اهل بیت به چرخ و فلک
 اعتراض می‌شود و این حرف دهریون است که ما حوادث را به روزگار نسبت
 بدهیم و دشنام دادن به روزگار در معارف اسلامی بشدت نهی شده است. و برآستی
 چرا امامی که ولایت تکوینی دارد و می‌تواند به اذن خداوند در امور هستی تحولاتی
 به وجود آورد، ما او را اسیر چرخ و فلک کنیم و بعد هم از زبان او از این پدیده‌های
 هستی گلایه کنیم؟

نمونه‌ها

از زبان فاطمه زهرا:

ای فلک طرح نفاق افکندی
 حسن از من تو جدا بنمودی
 از تفاقم به نفاق افکندی
 به حسینم تو جفا بنمودی^{۲۵}

امام حسین:

ای روزگار در بدم کرده‌ای چرا
 کردی مرا ز روضه جدم برون چرا
 از ظلم و کینه خونجگرم کرده‌ای چرا
 دیگر قبای غم به برم کرده‌ای چرا^{۲۶}

.....

۲۳ - مجلس تعزیه حضرت امام حسین.

۲۴ - مجلس تعزیه ورودی قتلگاه.

۲۵ - مجلس تعزیه فاطمه زهرا(س).

۲۶ - مجلس تعزیه غلام ترك زين العابدين(ع).

امام خطاب به زینب:

خواهر از جور سپهر نیل فام استراحت بهر من گشته تمام^{۴۷}

کلثوم(خواهر امام):

فلك سفله سرنگون گردی جامه کودکان کفن کردی^{۴۸}

امام حسن و امام حسین

فلك خدا نکند ما یتیم و زار شویم
چرخ برچید بساط عزت ما از جفا
باب عشرت بر رخ مابست چرخ کج نهاد
به ماتم پدر خویش دل فکار شویم
یا رسول المرسلین
بر رخ ما از غم حیدر در محنت گشاد^{۴۹}

امام حسین خطاب به امام سجاد:

فلك چو کشتی ما را به بحر غم شکند
آه از ستم شعاریت ای چرخ بی وفا
به سوی ساحل ماتم همی تو را فکند
کردی مرا تو یکه و تنها به کربلا^{۵۰}

امام حسین خطاب به فلك:

ای فلك نزد جفاهای تو جان آورده‌ایم
سخت بی‌کس شده‌ام ای فلك کج رفتار
جان خود در پیش شمر و کوفیان آورده‌ایم
چه کنم با سپه کم بر این چند هزار^{۵۱}

از قول امام سجاد: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ای فلك آخر تو دادی گلشن دین را به باد
ای سپهر بی مروت از جفاهای تو داد
شاد از ناشادی ما ساختی این زیاد
شیوه‌ات جور است و کینه و عناد^{۵۲}

۴۷ - ۴۸ - مجلس تعزیه طفلان زینب(س).

۴۹ - مجلس تعزیه وفات امیرالمؤمنین(ع).

۵۰ - مجلس تعزیه حضرت امام حسین.

۵۱ - مجلس تعزیه وهب.

۵۲ - مجلس تعزیه ورودی قتلگاه.